

صاحبان ممتاز و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل اردلان

روزهای دوشنبه منتشر میشود

کوشش نامنه جنگی

دوشنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۳۲۶
۱۳ مهر ۱۳۲۶
۶ زاروق ۱۳۲۷

روزنامه چهارم دست مزدوجستی بسکتی شماره

هیئت نمایندگان کردستانیان در تهران

درد مأمور از رویه گذشته منصرف شده خود را در این دنیا بیاورد - این دنیا غریبم آهنگه مازوم .
کردستان را با تمام منابع سرشار و با تمام مسکن خدا هدایتش امروز در وضع بسیار بدی می بینیم . می بینیم که این ناحیه روزی در آینده هم گوی تر می شود و باید در حال آینده بهر ارباب بوضع فلاکت بازمی آید .

پس باید برای بهبود وضع کردستان اول توجه ما را به مردمی داشته باشد تا نظر او را بپذیرد . احوال هیئت نمایندگان از کردستان بظهور نشان میدهد که تا حدی صحت اظهارات ما در گذشته بوده است .
چون مختلف تشکیلات دادگاه که صلاح جات و مساجد هم بود در این است که اختلالات را کنار بگذارد .

همه میدانیم که خورشید منتهج در دام ازموردی که دولت دهاوش کلان فراوان بود قیام آرام خود را از دست نداد باید اینکه روزی سرگرمی های دولت پایان پذیرد و پیدایش این بردباری صورت مخصوص خود را باطلح اوضاع آنگاه معلوم دارد .

سکون مردم در این مدت فقط بظاهر این بوده که مشکلات دولت پانزدهم ولی حال دیگر مردمی برای سکون باقی نماند ، دولت با در نظر گرفتن احویت خاص این منطقه باید اصلاحات آبیاری حلا شروع نماید و برای همین خوشنایب که سر و شایسته مردم هیئت انتخاب و احوال دادگاه اند . این هیئت نسبت به وضع وقت راضی است مردم ابراهیم اولیاد دولت شرح گفتنی نبود بلکه می توانم برنامه های اصلاحی متناسب با اوضاع کردستان را نیز پیشنهاد نماید و بنظر من این پیشنهادات کمک نوب ادامه در برنامه اصلاحی دولت خواهد بود .
در اینجا لازمی دایم روزهنگران کرد میوه تهران را برای مسکارتی با این هیئت دعوت نموده تا با همایم برای تأمین معاش مردم ابراهیم اولیاد کردستان هرگز نه پیشنهاد میدی که بنظر من مردم در برنامه اصلاحی تقدیمی هیئت بگنجانند .

روز پانزدهم گذشته هیئت برپاست جناب آقای آیت الله مردوخ از منتهج تهران وارد کرد گردید امرات سیاستمداری وسرت و هادمانی ناحیه کردستانیان از ازمولت کرد در محل موضوع آذربایجان نصیب دولت گردیده به پیشگاه امین حضرت هادیون شاستهای رئیس مشرف دولت سرور دارد و نشنا با عرض شای از احوال وضع کار کردستان استند ما نمایند که مردم رنجیده آن سامان از این سرور دولت مأموس ذات شاهانه و توجه خاص دولت فراز گیرند .

مأمیت خود را و آرزو نموده بودیم که بین عموم طبقات اهالی کردستان وحدت و رفاه و مسیت باقی بماند و سرور دولت که مسائل عمومی کیه طبقات از روی عیب و امان ، صیانت مسکرتی داشته و بهرین سبب هیئت و با مقدم شدن باره نظریات خاصه مسائل عمومی را مورد توجه فراز دادیم با اهداف اساسی و با اهداف مست پرست .

مشاغل ما نسبتاً کردستان دستفروش هودستی های جیبی بود و این دست پندی ها که بیشتر از نظریات عمومی بوده آهنگه آمده بود از این هیئت گشت که مردم تندی به کارهای اساسی بپردازند هر شتی که خرده دستهای بر خود وارد میساخت برای این بود که دست رقیب را از میدان ببرد .

اکنون می بینیم که این هیئت فلاسفه و فقه و طبقات مختلف کردستان بر روی اصول اصلاحی و اساسی مربوط باطلح و ولایت ما که آنگاه هست و پس از اینک مسئله دولت گران و اقدامات در محل

مسئله هدایت و انتخاب بظهور ابراهیم اولیاد که کوشش نمایند ما اولیای مردمی وارد مذاکره نمودیم و مسائل های کردستان را باطلح دولت برسانند . این توافق نظر و همکاری طبقات مختلف کردستانیان ما به سوی خوشنایب و مسرت است و ابراهیم اولیاد روابط صیانت مسکرتی برقرار یافته تا در سایه این توان مسامت مردم آن سامان را تأمین نمود .

اگر از چند سال قبل مردم این نگر و ابراهیم میگردد نودتری از خدمتبان شرح داد . در جمادیه منافع عمومی تمام میگذاشتند لهذا کردستان از دروغ و تفرات گونی راضی نبودند .
اگر این هیئت مردمی که در این روزها در این هیئت نمایند و بنظر کرد و مخصوصاً در این ایام که می بینیم مردم سایر کشورها با سرعت مانوف نسوری بسوی تری و فعالی پیشروی کنند جا

جیمز برنز

دقیق فکر و همکار

مستر جیمز برنز در طول سال که تا به جایان مشغول اجرای نظریات مسوده خود بود و در انجا برنامه های تنظیمی پرزیدنت ترومن بنظور تسهیم آزادی و دسر اسر گیتی ابراز مسامی می نمود ، برادر انجا موقوفات « صلح جهانی » در اجراء فتنه های صلح و رفاه میسر و باقی کرد و در با جایینی شاهان و روسان فعالیت حوادث تا کار سیاسی شان در کنفرانس پارسی ، کنفرانس صلح ، کنفرانس لوزان ، سازمان ملل ملل ، ملل ، شوراه امنیت جیمز برنزی برای برقراری ایستدگی ای دگرگونی فعالیت و دخواستی نمود .

چهارمادوم سالهای اخیر که تا به صلح آزادی مسکن بود باقی بماند حوادث سرگون خود در چندین حادثه پیشرفت صلح را متوقف سازد ، اما چه از نظر صلح و تا باینکه صلح کردیم که باز در صلح « راه صلح » مستریز « نگذاشت کوچکترین ترار سیاسی باز بماند . « منظر « جامعه صلح » بپای آید . سازمان ملل ملل ملل ، گزشتای « منتر برز » که ابهت طرح با روح ، تأثیرات بپای در صلح .

اسپه واریم در این موقع لحظه کردستانیان نشان دهند که وحشت نظری کامل در ان روزها لحظه خود را به موطن و مسقط الراس خود ابراز نمایند .
با توجه به فعالیت و خرابی که این هیئت اعزام شده امینواریم دولت نیز نهایت مسامت و تسهیم تقاضای آنها از ابراز داده و مخصوصاً اولیاد دولت متوجه باشند که مصالح مسکرت در این است که نسبت بکردستان گفته ها جبران کرد .

هم خنوز ملاتان های رحسی از طرف هیئت جیمز برنز پیامده اولیاد نسبت به نتیجه اقدام لاف مقدور نیست ولی امیدواریم دوشاره آنگاه آینه نسبت به موفقیت ها و موافقت های که نسبت هود باطلح خود استخوان ارجسته خود برسانیم ولی فقط این موضوع و نه توان املا در داهت که علاوه بر تقاضای آن که نسبت با اصلاحات اساسی از طرف هیئت خواهد شد تقاضای رفع آلوده است از آقای سالار سید منتهج همسر خود غایت های هیئت باید باشد و چون سبب موجب برای ادامه پایداری ایشان بنظر میرسد انتظار داریم دولت ضمن برقراری تقاضای اساسی و عمومی با رعایت پلاداهت آزادی استیجی سن سیت خود را در نسبت به هیئت اعزامی از کردستان ابراز نماید .

برنز

صمیمی پرزیدنت ترومن

بالم آتای ت . امینان
بارزانی ها را تحسین کنید

کسان دارم نیازند بیک مسله حد و دلائل باقیم که اگر آه دنیاز لواد آرمان برده و سبب وحدت ای آلی .
ان ایران است و بلاخره چند میلیون فرزندان این آب و خاک دهر کشور را و مکانی یافته فریضه و سبب مادر جیب و او را در میسر بیروانه مسله های جبال و اگروس و آوارات بهترین کیه تا مال این نوم آزادی است و با سکتین این خون ایرانی دهر خون آنان در بران چشم برای مهر و نوازش مادر جیب هستند .

بارزانیها هم شانه و هاله از این دروغ برهوت و توتمه ایرانی هستند که در بروز در کوه و بیگانه آنان را تحسین و فریاد دادند و در مابان مادر جیب ایشان را بیدر برده و آغوشان آب و خاک نوازش و پرورشان کنیج همین سبب میشود فردا مع اهل و نیله که با بنامش بر روزگار و در اثر تندی ظالمان کیه رفتار بد بگردد تا بمانندند

فردا به آغوش مادر امانی خود رحمت کنند ، زمامداران معترم دولت مستحضر هستند منتهج وسیع و مسامت نیز و بلا مانع و مزاح و بدبینی ایشان از این منتهج است که چند هزار خنوز را وارد و با خود با کمال بی نظاری و استراحت و خود با سکتین کردستان هم با کمال منت این همه میبایان وارد و در پانزدهمین میبایان سبب و علت لغو در داهت دولت حاضر جیمز گویگر نظری بر خلاف آسایش و مسبت با آنان داشته باشد ،

از مقام نصفت وزیری انتظار می رود امر فرمود فرماید نظری صلاح این همه را با داس و گاو آن خویش کرده و در یکی از منتهج وسیع و مزاح پرورد کردستان آنها را مکن .

امید است این مهر و نوازش به منظور تبلیغ و ترغیب ایلات کردستان کار میبویا توب و ننگ و پشیمانید و بلاخره با این هاکام خود آکرده او خوشنود و دلجویی فرمایند .
اگر اربابان دولت همسایه اهترها و گنگ نمود بایست باطلح اولیاد همه ظاهر این حد که در هر مورد باره دادن و تقوی کردن است منتهج و در حال پادخله کشور خود نموده داد ، در حالی که او هیئت منتهج است و استاری و آتانی داشته ولی این وقت از طرف ایران خسان حل طبعی اسکن فرزندان در خسان خود نیاید .

اسرار بارزان

(۱۶)

آخرین علاج

پس از درود بارزان و استحضار از کوهنگی و تابع ناگوار اخیر چاره جرای بود که تسمیه مناسب با اوضاع حاضر گرفته شود بنابراین جلسه ای با حضور شیخ احمد ملامعظمی و افسرانی که در بارزان بودند بلافاصله تشکیل یافت و چنین تصمیم گرفته شد که باید فوراً برای مدافعه در مقابل توفانی که از طرف دولت بیانه حوادث اخیر را اعلام خواهد شد جبهه های تشکیل داده خود و دشمنان را بداشتی هم حاکی از جریان های اخیر تسلیم ناپذیرت گان دول بزرگ در بندها گذرد.

جبهه ها با فرماندهانشان برادر زیر زمین کرده اند.

۱- جبهه خاور یرماندهی شیخ محمد صدیق برادر بزرگتر ملامعظمی و مسوات فرمادهی عزت عبدالعزیز

۲- جبهه جنوب پتی جبهه اگرچه یرماندهی ملامعظمی بارزانی و سعادت جلال ابن محمد سعید.

۳- جبهه باختر پتی جبهه پاینده یرماندهی صالح عبدالعزیز برادر عزت عبدالعزیز

و همان روز فرماندهان جبهه ها با نفوای مسلح خود حازم محل ماموریت گردیدند.

و بداشتی هم بخوشن ذیل تهیه و برای نمایندگان دول انگلیس - آمریکا - شوروی - فرانسه - چین و نفت وزیر عدلی صلی پاچه می ارسال گردید.

بارزان ۲۰ اوت ۱۹۱۵

جناب آقای سفیر کبیر

در مدت دوسال که فورش اول خود را متوقف ساختیم بیوسته نشان دادیم که برای اطاعت از امر دولت و جلا آوردن دستورهای شاهنشاهی بیوفی و مغایر این اطاعت و تسلیم انتظار داشتیم که تهنیاتی را که دولت در ضمن صدارت لوری سفیر کرده - بسود جلا آوردن این تهنیات همان وسعده های اصلاحات کوهستانی می باشد که صدی های نخست وزیر کنونی هم آنرا تأیید ننموده است.

فورش عراق جبهه خود وفا نکرده بلکه بالعکس دستور داده که پست امنیه در بارزان تشکیل و تکمیل گردد و متشون دولتی را بنام مانو به اطراف بارزان نرسد تا نشسته های زمین را بویوغ اجرا گذارد

۱- سنجاییان - فرار گذارده بودم که در منطقه کردستان کردستان شهرستان موصل ششماه برای اینکه روسای مختار و املاکان کتبه دولت عراق را سازمانی و فتنه نمود ولی چون در فواین سلکت عراق کردها در داخل سلکت مستوع نمی باشد اجتناب مانعی در آن مسافرت نمید.

۲- پس از این که این جانب از بارزان فرودم ادارات محسلی دولتی دو چیز و امور بارزان و مرگه سور بارزانیان از امر جبهه با ادارات دولتی منع ننمودند.

۳- تنگناری روسی از فرماندهان اربیل به تمام ادارات دولتی بارزان ابلاغ شد که هر بارزانی که با ادارات دولتی مراجع ناپذیر باشد باید دستگیر گردد. اسد خورشیدی که به پست بارزان مراجع میکند شروع به دستگیری شینا پندان و ناچار مغایه کرده پستزا اخلال میکند.

۴- الو بیک که یکی از روسای مختار بارزان است در مسوع مراجع گردن به اداره مرگه سور بدون اینکه از جریان مطلع باشد از طرف بیک نفر امنیه کشته می شود سه نفر بارزانی که همراه او بوده اند ناچار دو مقام دلاخ برآمده در داخل پستی امنیه زودخورده شروع میشود و با نتیجه پست گذارش و اینها از طرف بارزانیان اسیر میگردد.

۵- دولت عراق فتنن طعم خود را در آکرسه و با پشتیبان و نفوای امنیه و از منطقه کوهستانی جمع نموده و بدون مقدمه آتش جنگ را در مقابل ما مشتعل نموده اند تا این که عده ای کره پس گناه را مسوع نمایند.

جناب آقای سفیر کبیر

پس از آنکه لورین سلطان فون دوستی که این یاد داشت را تقدیم میدارد بیروی حواری عراق متشون بجزایران دعوات مامیباشه و پیر مردان و اطمان می گناه ناروا می کند.

لازم دانستم چنین مستحضر داشتن خاطر آن جناب از جریان حوادث تنما نایم که دول متبوه خود را آگاه فرماید باید اینکه مطابق وعده های که بگفته امل جهان داده اند برای متعین کردن متشون لاجلا بیکه که قرار است ضمن مرشتر با بوسند و اگر بارزانیان این گونه صلیات و مشیانه و بدنگتوری های دولت عراق جلوگیری شود.

در خواهه امیدوار است که دول کله کتنه به ملت های ضعیف همیشه پیروز مت باشند.

فرماده شورش کردستان - مصطفی بارزانی

ما بطور که در مقدمه این فصل گفتیم روز ۱۶ اوت بارزانیان جلسه

فرماندهان جبهه ها و افراد مسلح آنرا پسر ماموریت خود حرکت نمودند ولی ملامعظمی که خود فرمادهی جبهه جنوب را پیمده گرفته بود روز ۲۱ اوت پتی بیکه روزی بارزانیان را بداشت فون پسرهای نفرت زبده مسلح خود که خدمت نفر بودند بطرف جبهه اگرچه (مقره) حرکت نمود.

روز ۲۲ اوت پس از عبور از رودخانه مندره در مسافت متوقف گردیدند و در اینجا از طرف نیروی حواری عراق بیباران شدند.

درواز به پتی ۲۴ اوت سعید آقا زیاری با چهل نفر از افراد مسلح خود دوده هرند بنده ملامعظمی بیوسته جمع نفرات که در اوتان موقع به یکسده نفر رسیدند بیکه بر سر حرکت کردند.

کوه پیرس کوهی است متشون از چنگل و مسابالمور که در حدود دو هزار و پانصد پا اسیطع درها ارتفاع دارد فاصله آن از بارزان شش ساعت راه است و موقعیت دفاعی بسیار مساعدی برای زیاری و بارزان تشکیل میدهد.

روز ۲۵ اوت پس از عبور از کوه پیرس پده و کوه پیتی و رسیده اند ده درین کوه پیرس و کوه قزوه واقع شده است و از بارزان هشت ساعت راه است.

فرمانده جبهه فرار گذارنده که (اشکلنگه) را منظر فرمادهی قراردادند در این روز فرسار شده که کتنه و دولت عراق از طرف موختک و دولتی از دروازه هر دو با هم روز و شبستیار حله خواهند نمود.

برای برهم زدن نقشه حله نفوای دولتی ملامعظمی - دستوری بشرح ذیل صادر نموده که چهل نفر از افراد بیچاره ده دسته ده نفری تقسیم شده و شب ۲۷ اوت شبانه اطراف کوه مقره را که در زوئی آن نفوای دولتی قرار داشت گرفته در مسافت هین مقره چار پتی خالی کرده مراجع ناپذیر بدون اینکه منتظر عکس العمل دشمن شده و با یکسده پیرزادند.

نیروی دولتی که در بارزان قرار گرفته بود عتک و بود و دست جات چهار گانه از مسلمانان عراق پسر فرار کرده چهل نفر از جنگجویان حازم ماموریت شدند.

دست اول پسر گردگی محمد امین بیهران - دست دوم پسر گردگی عزیز آقا زاری - دست سوم پسر گردگی رشید زیاری و دست چهارم پسر گردگی قرتاس زیاری.

دستور بگیتی که از طرف فرمانده کل ملامعظمی صادر شده بود اجرا گردید پتی دستجات مسلح فون لاکر اطراف مقره را گرفته تیراندازی نموده مراجع کردند.

ملامعظمی پتی پتی نموده بود که اگر دو عتک از نفوای دولتی به عسری که شبیاست از جبهه جنوب و جبهه خاور بگریخته حله ناپذیر دست باندازند تیراملی ناچار خواهند بود که دو جبهه بکنده درازند و با نتیجه خود و این شرف هم ممکن است شکست منجر گردد بنابراین این چاره نیست جز اینکه کوهی که در حله با هم از دو جبهه شروع نمود.

اجرام دستجات فون بهترین طرحی بود که می توانست حله عتک و را بشنویند اندازد.

اجرای صحیح دستور فرمانده فورش بارزان با موفقیت ترین شهر حله عتک و دروزز مورده انجام گرفت - بلکه در روز مقرر فقط عتک و دو جبهه را و از پتی جبهه خاور بیچاره میسر عتک فیر هم صله و بداشت با اطلاع قبلی نفوای بارزانیان حله ارتفاعات و نقاط سوق الجیشی طوری تصرف شده بود که چنه ضریب سریع و فاعلگیر کتنه عتک را بکستند و عتک و علاوه بر ۲۰۸ مرد که کتنه کجا گذارند فرمانده عتک هم کتنه خودشان زخمشا قریب بیسده نفر و در حدود ۵۰ قیسه کتک بجز بیچاره ماند. از نفوای بارزان دو نفر زخمی شدند.

جریان این منظر را فرمانده جبهه بشرح ذیل فرمادهی کل گزارش می نماید:

جنگ با دایان

در جبهه خاور کدارت فرمانده جبهه شیخ محمد صدیق

جناب مصطفی بارزانی

صبح ۲۰ اوت عتک و دولتی از باشینان از راه «دیا» - دایان میخواستند از «کوه گورد» به پشت «شینه» بیایند و پشت نیروی ملی ما را بگیرند.

فرماده دسته کوه گورد: «ووروشورانی» با عتک نابرده تصادم نمود (افراد او مجازات ازده نفر بودند) جنگ شش ساعت طول کشید. در موقع ظهر، چهار هزار پا در صف نشینی کردیم و در آن بیاضغ نامان تشکیل دادیم مقارن یکساعت قبل از فرود آمدن عقب نشینی و یکساعت متک ما برده نمودن

۲۰۸ نفر و شش نفر سیمبل رفتن و کشتن فرمانده عتک فیرمهرم و دست آوردیم. ۵۰ زخمی و سه سیمبل میک و بیست متشون کتنه و یک دستکاری سیم و دو خیاره، انداز و مقدار بسیار بدستی و یک مسلسل سنگین فرغ و فیکری» خانه پذیرفت.

از آن لحظه دو نفای زخمی شدند و نمود فضا در اثر تیراندازی تیرها به منضصر زخمی برداشت ام، نلا فرماندهی جبهه پیمده محمد آقا مرگه سور میباشند.

تا یک نفای از ما زنده باقی در تیراندازی خود و در راه حق برستی می گذاریم دشمن بنگویب داخل خاک ما بشود.

فرمانده جبهه خاور - فیخ محمد صدیق

گروه كردستان شهر اروان

(۷۶)

حکومت حستعلی خان امیر نظام گمریوسی لوبت دوم

برادر بیاد واکدار گردید
حکومت حاج میرزا محمود
خان احتشام السلطنه

پس از عزل حسان السلطنه امیر و در سه شنبه ۱۳ خرداد (۱۳۱۴) حسن علی خان امیر نظام گمریوسی به حکومت كردستان منصوب و روز شنبه ۱۷ تاجیب ایلی وارد كردستان گردید و شروع به تنظیم مسیونیه تا قلیق محمدتقی نمود. غلیقه میوادالدین و میرزا بابا نامان را امتوان ایدر که مسبب تزلزل بودند آن خلع نمودند و سرورنی که ناچاراً بطوریکه سابقه کرد شد سید عبدالرحمن و سید عبدالرحیم طلیه بودند (۱) مبلغ بیست هزار تومان را بر این امر خوبیا بر اهل خرد و دهان تحصیل تقسیم نمود که بتوسط دولت بیرون منتقل داده شود مامورین مبلغ بیست و یک هزار تومان (۲) از آن - امین - مشارایه متجاوز اسیب وزارت ایران را با مساعدت مشیر بریان اذاعه شد و دهات و زمین حاصل شده نیز وزارت ایران بصدون حکومتی پرداخته و بجهت اخوند گاشی پاشا ثلث مشیر دیوان برده (۳) پس از چندی امیر نظام پشوان یسنگرانی آذربایجان نامور شده و مدینه علیخان خان سالار السلطنه امیر و از آن ایات حکومت در دستش منصوب و مشیر دیوان را بیکسازان و فراراد روز جمعه دوم رجب ۱۳۱۴ خرد ماه لومین حصار بیچاره رحمت قل حکت است نمود عصر شنبه یازدهم سالار السلطنه حاکم با عزم ملنا اورامیه شهر منزل آمد مدتی مجلس خبرا برپا گردید مشیر خواسته شد پس از چند روز در وقت بیست و یک رایت اسد السلطنه سزایان وارد كردستان شد در جنت عالی باز در وقت که با یونق مشیر كردستان بر سر کوی اوران و اوران در میان حرکت کند. مشیر دیوان در آن اقدام شده برای اینکه با هر نفسی خدمت تجویز دهد. بواسطه غلبه نادر السلطنه و در حاشیای بیاد و جسی از خویشیان اوران را در وقت خمر است (عاشق الدین) شهر آورد اظهار اعتراض نمود سرورنی میبشکنند بخدمت کرده مرادت و خویشی ه - پاشا گین خود ممنوع نموده فقط در قری تاشکلی در حکمرایست حسین خان سهر و قلیق بی برادر علیاجا و امیر حکومت و خمر است عالی قای (روزانه در حکومت) تحت فرمان بودند. در روز دوشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۱۵ م - ملا علیقلین شیخ الاسلام منورنی کنته کند (فراق) تاریخ سال مغرب اوست در ۲۲ خرداد منین سال عبدالرزاق امین الاسلام بلف شیخ الاسلامی قایل و ملا علیارجمند بود ملا علیقلین که چون با یونق سپاه چهارده باره بود منقلب و امین الاسلام گردید.

روز جمعه التایه (۱۳۱۶) سالار السلطنه منور و حکومت كردستان آغاز میرزا عبدالرشید خان احتشام السلطنه امیر و در سه شنبه ۱۳ خرداد (۱۳۱۴) حسن علی خان امیر نظام گمریوسی به حکومت كردستان منصوب و روز شنبه ۱۷ تاجیب ایلی وارد كردستان گردید و شروع به تنظیم مسیونیه تا قلیق محمدتقی نمود. غلیقه میوادالدین و میرزا بابا نامان را امتوان ایدر که مسبب تزلزل بودند آن خلع نمودند و سرورنی که ناچاراً بطوریکه سابقه کرد شد سید عبدالرحمن و سید عبدالرحیم طلیه بودند (۱) مبلغ بیست هزار تومان را بر این امر خوبیا بر اهل خرد و دهان تحصیل تقسیم نمود که بتوسط دولت بیرون منتقل داده شود مامورین مبلغ بیست و یک هزار تومان (۲) از آن - امین - مشارایه متجاوز اسیب وزارت ایران را با مساعدت مشیر بریان اذاعه شد و دهات و زمین حاصل شده نیز وزارت ایران بصدون حکومتی پرداخته و بجهت اخوند گاشی پاشا ثلث مشیر دیوان برده (۳) پس از چندی امیر نظام پشوان یسنگرانی آذربایجان نامور شده و مدینه علیخان خان سالار السلطنه امیر و از آن ایات حکومت در دستش منصوب و مشیر دیوان را بیکسازان و فراراد روز جمعه دوم رجب ۱۳۱۴ خرد ماه لومین حصار بیچاره رحمت قل حکت است نمود عصر شنبه یازدهم سالار السلطنه حاکم با عزم ملنا اورامیه شهر منزل آمد مدتی مجلس خبرا برپا گردید مشیر خواسته شد پس از چند روز در وقت بیست و یک رایت اسد السلطنه سزایان وارد كردستان شد در جنت عالی باز در وقت که با یونق مشیر كردستان بر سر کوی اوران و اوران در میان حرکت کند. مشیر دیوان در آن اقدام شده برای اینکه با هر نفسی خدمت تجویز دهد. بواسطه غلبه نادر السلطنه و در حاشیای بیاد و جسی از خویشیان اوران را در وقت خمر است (عاشق الدین) شهر آورد اظهار اعتراض نمود سرورنی میبشکنند بخدمت کرده مرادت و خویشی ه - پاشا گین خود ممنوع نموده فقط در قری تاشکلی در حکمرایست حسین خان سهر و قلیق بی برادر علیاجا و امیر حکومت و خمر است عالی قای (روزانه در حکومت) تحت فرمان بودند. در روز دوشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۱۵ م - ملا علیقلین شیخ الاسلام منورنی کنته کند (فراق) تاریخ سال مغرب اوست در ۲۲ خرداد منین سال عبدالرزاق امین الاسلام بلف شیخ الاسلامی قایل و ملا علیارجمند بود ملا علیقلین که چون با یونق سپاه چهارده باره بود منقلب و امین الاسلام گردید.

روز جمعه التایه (۱۳۱۶) سالار السلطنه منور و حکومت كردستان آغاز میرزا عبدالرشید خان احتشام السلطنه امیر و در سه شنبه ۱۳ خرداد (۱۳۱۴) حسن علی خان امیر نظام گمریوسی به حکومت كردستان منصوب و روز شنبه ۱۷ تاجیب ایلی وارد كردستان گردید و شروع به تنظیم مسیونیه تا قلیق محمدتقی نمود. غلیقه میوادالدین و میرزا بابا نامان را امتوان ایدر که مسبب تزلزل بودند آن خلع نمودند و سرورنی که ناچاراً بطوریکه سابقه کرد شد سید عبدالرحمن و سید عبدالرحیم طلیه بودند (۱) مبلغ بیست هزار تومان را بر این امر خوبیا بر اهل خرد و دهان تحصیل تقسیم نمود که بتوسط دولت بیرون منتقل داده شود مامورین مبلغ بیست و یک هزار تومان (۲) از آن - امین - مشارایه متجاوز اسیب وزارت ایران را با مساعدت مشیر بریان اذاعه شد و دهات و زمین حاصل شده نیز وزارت ایران بصدون حکومتی پرداخته و بجهت اخوند گاشی پاشا ثلث مشیر دیوان برده (۳) پس از چندی امیر نظام پشوان یسنگرانی آذربایجان نامور شده و مدینه علیخان خان سالار السلطنه امیر و از آن ایات حکومت در دستش منصوب و مشیر دیوان را بیکسازان و فراراد روز جمعه دوم رجب ۱۳۱۴ خرد ماه لومین حصار بیچاره رحمت قل حکت است نمود عصر شنبه یازدهم سالار السلطنه حاکم با عزم ملنا اورامیه شهر منزل آمد مدتی مجلس خبرا برپا گردید مشیر خواسته شد پس از چند روز در وقت بیست و یک رایت اسد السلطنه سزایان وارد كردستان شد در جنت عالی باز در وقت که با یونق مشیر كردستان بر سر کوی اوران و اوران در میان حرکت کند. مشیر دیوان در آن اقدام شده برای اینکه با هر نفسی خدمت تجویز دهد. بواسطه غلبه نادر السلطنه و در حاشیای بیاد و جسی از خویشیان اوران را در وقت خمر است (عاشق الدین) شهر آورد اظهار اعتراض نمود سرورنی میبشکنند بخدمت کرده مرادت و خویشی ه - پاشا گین خود ممنوع نموده فقط در قری تاشکلی در حکمرایست حسین خان سهر و قلیق بی برادر علیاجا و امیر حکومت و خمر است عالی قای (روزانه در حکومت) تحت فرمان بودند. در روز دوشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۱۵ م - ملا علیقلین شیخ الاسلام منورنی کنته کند (فراق) تاریخ سال مغرب اوست در ۲۲ خرداد منین سال عبدالرزاق امین الاسلام بلف شیخ الاسلامی قایل و ملا علیارجمند بود ملا علیقلین که چون با یونق سپاه چهارده باره بود منقلب و امین الاسلام گردید.

جواد ناصر الدین شاه

از طرفی شاعر شهر کرد : شیخ رضا کرکوسی
میگویند وقتی ناصرالدین شاه بیت ذیل را که از خواجیه حافظ هرهزای است بشعرا عصر خود سراجیه نمود که مضمون سراینده را برایش نقل کرد لایتنده جوانی که شهادت نه عیبداد موده پسته شاه واقع شد هاد کشیا منشی را از اشعار هههه هرگز مروج شیخ رضا کرکوسی استفسار نمیشاید و این بیت را منی رسیده بلی برنگ گلی خوشترنگ و منقار دهاشت

دایا با آء و اتقان ناله های زار داشت
شیخ رضا اظهار ذیل را بطراسی سروده و جواب برای شاه میفرستد.
صاحباً در حالش که این بقم میسر داشت
باید آمد از کلبی آن جناب اظهار داشت
گفت بودی قصد حافظ چه بود از این گشته
«بلی» برنگ گلی خوشترنگ در منقار دهاشت
کسا شعر خواص گردیدم به پیر اجنبی
پیشینه این صف از آه چه در دیوار داشت
«بلی برنگ گلی» شد سیمو صدیقا و هوش
با غلی و یا حسین و یا حسن میباد دهاشت
بر گل سرخ است او دارد ننگه از حسین
چونکه در میان وفاش سرخی رخسار دهاشت
بر گل گل سبز است او دارد ننگه از حسن
چونکه در میان وفاش سرخی رخسار دهاشت
«بلی باهده می» کز نرنگ آن مهر در یار
«دایا باء» اتقان ناله های زار داشت
فرح اظهار فرود آتایب - آزمون از منتخبات اروان داشته اند.

اشگر

شاهزادهای مهم و مهم ترشهر اشگر
منقشر شد فقط برای گشایی فرستاده
مشروه که برای اشترافه خود را در دهاشت
(اند)

خود فرار داد و به (نارسه) اشترافانگ
اشترافانگ شکسته و منقشهای ترکه مورب
و جواهرهای پست و شکسته با کار اوست که
بناهای طاق ناصر الملکی منقش ناصر الملکی
بغازی ناصر الملکی میگویند مدت چهار
سال و چهار ماه در كردستان با نهایت احتیاط
و محافظت کاری کرد بر همه شیخویش
میگفت که زمین از کسی بیرون نروم
بکسی هم پول ندهم و پایه و نتارش
کبیر برنات و مغربلوت بود میان نارسه
و انگلیس را خوب حرف برده و هر قدر
و مواد تمام پنداری داشت یکبار
هدیههای (سپهراورد کرد) و بررامور
خارج دولت انگلیس میباید برده
آزادری بوده همه گش از آنجا غنای
میگرد. مقصر از میبخت این آما را

بیربده با یکال احترام چوبی بیند. در
خونم که که کسی پیش آورده نمود
میگفت سرورخیزت خود شیخ محمدتقی
کثیر شیر پرواز منتخج میسید در سنه
۱۳۲۰ م - ملا علیقلین شیخ الاسلام
شیخ گهرآف که جوان خستکار باضنی
نوش خلی بود چاهان فانی را پروود
گرفت و در سنه ۱۳۲۱ م - خرد ماه شیخ
شکرآل بیو برعت آزادی تاج گردید
در سنه (۱۳۲۱) م - مروزا با است خراسان
بولایات كردستان سرایت کرده تلفات
هزود که ناصر الملکه سرچاه نامی
در رفته در آنجا برایش خبر گدافت
و نطق سرآمده با هر نفسی سرسود

دستگاه یونبایان آلمانه

آقای محمد علی عطیسی
مدیر میستان یونبای آلمان فرح حبیبی
نوفته جریان کشایش این بدستان را که
در قریه آلمان یکی از قراه اورامان
امسال افتتاح شده فرح دادند.
در این نامه میفرستد که در تاریخ
۱۵ اردیبه ۱۳۱۵ آقاي محمد شویب نیک
مصلحت سلطانی آلمانها را شتران خود
بر فرمانداری كردستان تقاضا نمودند
که دستبانی در آلمانه افتتاح بساید تا
اهلی نسبتی از اورامان بنواستند زندان
خود را بر یونبایانک بیارند این بیستگاه
از طرف اداره فرهنگ مسیانه استنباط
شد و آلمان در سنه ۱۳۲۰ م - آلمان
و دارای چهار کلاس و بیست نفر
شاکرد میباشد.
آقای محمد شریف بیگ که علاوه
معلمی به تربیت و تمشیق اظهار دارند
ملازمین تربیت مردم را جدا نشودین
نایبته که فرزندان خود را برای تحصیل
و دبستان برنستند و مسائل گشایی و اشغالی
و دبستان گداده و گشهای شریف دهامان
ایشان اعانت بفرستد امور فرمتی خدمت
آقاي محمد شریف بیگ علاوه بر
برداشت گرایه ملحد دبستان و تهیه سوخت
دبستان کلاسیا میز و سرود و بخاری
هم برای دبستان تهیه کرده و حقون
مدیانه بیکسر مستعدم را هم که در
امسال خدمت میباشند میفرستد. برارند.
چون کلاسههای اشغالی و سوخت
فرمتی این سامان میباید در پیش برسود
لازم است که یونبایان از ادوات اشغالی
بفرستد برای کرد.
امیدواریم سایر نقاط مجاور این
باشان تاسی شود از کلاسه به توسعه
فرنگه در هر باره اند

نامحرم گشاده به اهالی

مستحرم گروس

پی از تقدیم احترام استمدادارم این نامه را که بابتگاه به نظر صحیح اکثریت اهالی محترم و مسئولان آژانین دفتر اهلی می گردد بدون مغفولت از نظر داد و داده آنچه لهم دستر و جسدان پاک شان امتضا دارد بدان عمل فرمائید بنده غلامسلی گریبا که مدتی امتضار خدمت نگارای اهالی محترم شهرستان گروس در داخله از اوان غفلت یستی موفقی که تازه میرفت که قرب و جسدان اهالی و انضباطی داده و نظیسات سلکت خود در دفعه گتم پاک نام فرستاد گروس امرامانه کرمانراه وطنم و فرستاده و آرزوی دیدار این شهر خدمت نگارای اهالی وادر دادو پیس برودیم خوشبختانه باین آرزو رسید و توانستیم محروم بزرگان و مستحرمین نام شریفان دادگاه کساندام داشت برهه تنم خود ومعی نلکخواه و متمم به سمت است اوقات محترم گرم دروهمنگام انتقال مرستهام و ملاطیفات بسیار بگرم در برودهای سرشنه بخت نبوده که کمیتر صمیمیه بنده در اهالی پاکدل و پاکیزه آن سامان بی تاثیر نبوده است و اکنون شب وروز بیاد دوستان آن سرزمین هست و مرام و آمان را برافروخته ایم بمحانت میروم این صمیمیت وصیت امتضا دارد که تهیه از جلال و سرعه شاه و شهر شا میروم این شهر و با تقدیم این نامه میسر برسانم بگریه که مورد توجه اهالی محترم باشد که در کارهای کلی و عمومی نظرمای خصوصی و کنسار نگارنده بفقیر همگانی و سلکت ووطن و افتخار منظر می دارد . منکن است پاره از اشخاص سر پسیان با همگامه گرشتر آژان و دایه میراث فراموش بفرمانده من در مقابل این تصرف نظر بکخواهش دارم و آن این است که سرایض خود گننه و زمانان را مورد دفعه قرار دهنه یعنی هاریمص صمیم است با نظر که صمیمت آبی تصدیق خواهد فرمود که جنبه خلوص نیست باهالی دهرن این نامه برجهان دیگر بخت دارد علیه این مقیده من که با لیاقت اختصار مرض میشود هم مدیایم هم گروس که موطن امیر نظامها و نازل خانها و شاهنیر دیگری است در تمام دورههای اجلیبه نایبده که عمل کلان و کاملاً برای اهالی دلسوز باشد از خود نداشته است چرا که آژان در تمام آژانستان که وجه هزار جیت دارد مزده که واجد شرایط لازم باشد نیست آژان نظیر کولائی که دیده ام و میباشند و آژان نظیر ای صوفیه بیسین که منستی که پامع هزار اوان کیلی شتروال است اهالی است که برجات اکنون این مقصود حاصل نموده است هم مراد نامه که علت علی این عهد من فریق این است که در نظرم اهالی که این است و رتی و نظام و شخصیت و شرافه در هر یک دردی میباشد زیاد است و محنت و بافتنای اصولی که جهان است و منجان به پیمان نسیب نیست بیهم نظر رتایات دارن و بطور خلاصه

میروم و نتیبه که بین برستان آجیا آرزوی گتم عملی و باید بگرم برهه اکنون من که اهل سرشنه شامت واز آژانین دورترسی از که عاهاویکه نصی ها داد و بختیار بگرم و در گران شا و ادعت گننه باینکه از گذشته دوس مرتب گتم نتیبه باینه برای خاطر خدا برای خدمت بگروس باری نظر بزد گتری حب و بنش و صوصیت را کنار گذارده برای تبیین بکنفر نایبده معنی واجه شرایط هر که باشد قیام و اقدام فرماید و شا خودتان هم اشخاص لایق را که ایدار دهنه خوب بنیاشد محتاج به مری نیست از این پیشنهاد در ای پی برسی و حشا باینی ترین کرده و کیل یز بومی داشته بجه کسی که انتضاب گننه که فردا نگویم من با پول آژانها کسی خبی جنت و فرامت شا و از سر برام کسی را انتضاب گننه که اگر هشتیرو شایسته انلا معرووف مسلم باشد که اهل پول نیست به پول بیغد و به اهل بیکبر و نه خب خصوصی دارد کسی را انتضاب گننه که انلا از لسانه اسلاطیت و مین پرستی و پاکدانی مشهور و معروف و با فرار نشاندن شا محتاج و متناسب باشد این کسی خبی گت که شا او را شناسایی بگذارد من بگرم بکنفر ترسی از کسی فردا بگرم و بن مرد خرف و از بر سر او بنشای گننه آن کی این مرد جناب شیخ الاسلام ماری است که نتجاوز از ده دوره و کیل مجلس و چند دوره هم نایبده خود شا بوده است دومرد این برده بود که شیخ نظر اشخاص مرضی نویسیه تریجه کیلی شیخ الاسلام ماری گننه و در ایران و خارج از ایران چه نامی دارد سوابق آن جیسه این شمس پاور بوده و کالت مجلس و املا بگری بوده است دینی آقاها و امدهاش

توسیل که بزار تجیل که ندارد هیچ هم اکنون خان معل کوشش در گرد میباید در صورتی که شا خود مدیایم که بنی از زمین و کالت دورتر هاردم استفاده ما داشته گت تدریس و بکنفرده بطور در تزاجت تنه و شرک هم دخات نامشروع نبوده است بطور آژان و در حوزه و کالت بکنفر و بستگان خود امتضار داده بودند بگو که ازمیر در بکنان آن دو سگم قانون بود هر که در مخالفت خود میدیده دستور جلب وتوقیف وغیره میدادند غلامه هر چه بری آژان بود پس میگویند شیخ الاسلام ملاری برای ما کار نگرده است این بیان شتابی می اصنافی است اغلب ادارات آن هیبروا اقدام و نام آژانین منتقل نبوده و در تمام هیبرواتی چون آقا جلیل الامانات ایشان محرز گردیده بی بنده تصدیق نموده است هم مراد نامه که علت میکنم که جناب آقای ملاری یاد از تقاضای خصوصی اشخاص را که در عین حال مستلزم ضرر دیگری و برجه موکل دیگران بود نیز بیدار نیست و بلا اقدام میگذارند اصناف بجه این عمل خود نایل نتیجه است یا باید بده

کوهستان

برای اطلاع اداره کل دخالیات از هیروان

امضاء کنندگان ذیل که مالکین و زارچین بروانی هشتم بهین دوسله از آقای آرزوی زبیر سیه خانیات مستحق که در تنقیح و ترمیم بود کوهستان ترین نظری نسبت با کلتور مساعدت فرموده اند امضایان تفکر در فدوای نبوده شده است این عناصر با حق در دوسلکت ما حفظ گننه .

علی و حسین حاج زین العابدین ناصر اردلان - لهریز و گننه و بنجه - دین و لهریز - فتح و له لهریز - انور و له لهریز -- حبیب الله حیدری - طاهر حیدری علی پلک می - احمد سهه سیه بی - محمد بیگ پالک - احمد کت درونی حبیب الله و بیگ لهریز - داریوش اردلان - سیه رشتی - فرج کوبزه کوبزه - محمد بیگ لتج آژان

آخبار گروس

نگار اف نمایانگی یجان

اجنح شهر خوشبختی سرخ با حضور فرمدهار تنگیان تا چه نظرنا نامین، برسی و معیبه زاده سی از چند روز و توفیق برودا که از یاد حرکت، سهرابیان رئیس شریه و حمل و نقل غنیه میازات اختصاتی مشاهده چون خواست دهنه خود را آورده قضایای انتضاباتی کنه سید از ۲۴ ساعت حرکت نتیجه اقدامات آقای سرخانه شاه میر با امتضا نظر به عمل مایل خود شد در کانونین گفت برای تکلیف خود دارانی کرده و او نایب سرود و حضور بدهار فریادیده گننه مرشای شهر تعلق بیشتره بکنفر مکتوری هر آینه مرضی بی پول باشد سر او نیرو برش که برود . و در نایب مطالعه امینت و ارزان ضمنا نام و گننه شیخی خوب است چهار ماه است کوهستان نیز ترسیده باز هم امان از وضع شراب بیداری

خبر نگار فریولی

که روت هود دروهمال برودان فوریم رفتای محترم اگر از انتضاب پاک وکیل معنی مایوس شدیده باز هم بطرف شیخ الاسلام ماری میروید که هر چه باشد مرده بنیستی و با تقوی و بی نظر و بهین مرتب میباید و مقنیه سایر کاندید ها که خارجی هستن باین مرده شریف در مدب اهل اصناف کوهستانی معظیم است اگر منکر هندی شخصیت آژان را با بکنفر بنیست تا درجه گریه ای وی اصنافی اشخاص مشرف و در ایام آن چه شرط بیاغ است باها کنته میخواهیم بیدر به میخواهیم نیدر بیسرو ماملتای از الایع

کوهستان

ریاست فرقه ها از جمله داشته اینک که بدامان منتقل شده اند از آژانین هفصی خود را نسبت با انتضابت گروس شنید نامه مشروح فریق اردلان داشته . آژانینیکه هر طرف ماروخن نبود مردم روی امر انتضابات است نظرموافق و معنی هار و چاپ بنیستیم تا مردم آژان را از جویمه مقالات چارچده در این مورد صحیح بیدانه مورد توجه قرار دهنه .

دنیا و ایران در هفته گذشته

بچه ازمعه

چهاره و کت تیبیه . قدمات اعتباریادین صلح آژان که از روز چهاردهم زانویه در لندن تشکیل خواهد شد . علاوه بر نایبندگان چهاره و کت بررق از جمله دولت دیگر بزرگای شرکت در این اجنح دعوت شده است بطلان این اجنح تاروز سوم نوبت چهاره خواهد داشت چنک درجین ساگان ادها دارد و نخست وزیر «ریت نام» در خواست مذاکرات صلح است . آژان در دادوست ترنون هصر امروز نقلی در مقابل کنگره امریکسا ایراد خواهد کرد .

انتضابت خورای عالی اتحاد جابهر فروری در دست اجنح است بیه کلیه اجنحی در پاریس ترتی نبوده است انتضابت شورشیان در یونان زیاد تر شده است می گویند کیسیون تنقیح که برای بررسی امرضای یونان مرتد در اواسط این ماه وارد پیشرو بر خواهند شد .

برای اطلاع اداره کل مرفهانی

هدای اژانلی مقر مرضی منی برشماره رتایات از حیثیات سر پاسبان نام صحیح برجه ذیل بارداره روزنامه کوهستان نوشته اند :

در مدتی که در سیلستان ۳ ماهه حضور در جهریای مقر ماموریت داشته ایم لیاقت بی نظری وحسن رفتار و اخلاق با اهالی و طبایع محوله متشور و ترکیب فاطمه اعلی و زانم آرزو کرده گننه رتایات از ایشان داشته ایم لذایب و هیله و اغذیه مانان این سرایشان نظیر و هیله ندران . نبوده انتضاب داریم مقامات مسئول بر مری که در امده شخصیت فاسد مامور خدمتگذار میلول فرمایند .

رای اطلاع آقای دادستان

کوهستان

بازماندگان کسبه مرامی ما کن فریه بوانه کثایت بنیستند که کسبه معنی کوهستان که در برابر ۳۲۲۲ دوه آژان بود ماموران از جلو بفرستاده اجنحی نبوده حاتم غلن ضمن سائب ابوا از کت گرفته دردم فورن بنیست . برنده امر تشکیل و آژان صادن و زبیر دادستان پیشین کوهستان جسد موضوع از تنقیح و بی حدافینت سبوت مایه است اکنون که زن و دور طفل صغیر بیکسوی اونی محمد علی باظنار دادوس در نهایت فقر و بیچارگی میروند .

توجه فرمائید

مترکین و نایبندگان روزنامه کوهستان اگر تا اول اسفند ماه بدهی هاری خود را ارسال فرمایند باینه میخوانند تا به خود را در سرتن «هفت کین یا نمایاندمان بد حساب» در اولین شماره اسفند ماه آژان به ملاسه فرمائند .

چاپخانه مظهری

کوهستان

چیز برتر

پایه اولسه
 خلق سلاح هومی ملن‌های تسلیح
 «برو» بر ابراهام لینکلن و گراب
 های جیمز بونابرت، جان بوشن آرمیان
 آهویو افشاش برانگان ایسن
 موخو که بر تو پتی از سر کنی
 در دولت « فیلمندادار بنوی نوین
 انزود است « معین آزاد اریگا
 مرید زاده نظیر جیر برزی موغام
 کدو پیشاپیش فرقه تسلیح و دموکراسی
 پیتر رود، مغربیوزیرومورخارجه آمریکا
 جنون ارگترین شخصیت سیاسی
 ۱۹۶۸ مکتب بر باهینی اسه
 بزوک است از این جهت که مثل آزاد
 امرود کوچکترین ربه بدیعوس آمریکا
 از یخوداره می‌دهد: بر ایمیله ایزن‌جهت
 کوه برود در دولت کاسی ایسن
 موقع مناسبی جیر بر ابراهام لینکلن
 صلح پیدا می‌شود
 صلح نامه که یکی از بهترین صلحات
 سیاسی است سراله یکنگر از جوان
 بزوک داده از پنون سهرین شخصیت
 صلح: انتخاب و پنهان مرئی فیلمند
 اسوان ایزن انتقامی ستر بر بزوک
 امرود خارج اریگا که سیاست با کرامت
 و صلحات راهی در درسی سال گذشته
 موجب صلح تمام نیامین فیلمنی
 شده است. کوهیه « صلحات امرود امریکایی
 یکن و یکنرسان ایسن انتخاب را
 بریه که گفته اند راجع به این شخصیت
 و صلحات و صلح‌های وی در راه صلح و
 آرامش است پنهان داده اند. « جیمز بزوک
 » بزوک بزوک بهترین مرد سیاسی جهان
 است « این صلح جهان آزاد می‌باید
 که امرود کوچکترین ترهه در بیوغ
 بازر و بخود راه می‌دهد

این بخت مارا با اینجا می‌تواند
 چند کله بی دروازه‌ای اظهارات ملل
 کوهیه از امریکاییزیکومی، در خارج
 ملل قطع مائده « مللی که بر اثر فشار
 ملل هندی بود یکدیگر از همه جای امریکایی
 هدهده امرود تپتا واه علاج آنها
 هوشی با آزاد اریگا است
 تا مگر کاین وسیله استقلال و آزادی خود
 را بر نیاند و از غم بیستایندی دور
 در میان کشور ما که در اثر شرفیاری
 ناگیاکی و هشی و بیستایندی که باید در
 تاریخ سیاسی قرن اخیر مطالعه کرد
 و بلاطحه این آثار خود و در بیان اعصاب
 کلی نهی فرهنگ « طرفه‌دار دوستی با
 کشورهای امریکا است- سیاستی خام
 در شرفیاری صیب بریکر استقلال و تشن
 موده است و این سلیکله در جهان بشرفا
 برده است که سائکین معروف سوسکی
 این بزوک از طلب جزئی ترین ستون
 مسلم بشری عاجز
 از حفظ نظر استراخ « استقلال
 و صلح « دهنه فرهنگ « آزادی
 و آزادی و برای اینکه روح کهنش در
 ایران ما برچود آید و بین ملل با
 فرهنگهای سیاسی را منتظم‌شرد و نهایی

راجع به نظام وظیفه

چندی قبل نامه‌ای پناهی هادی
 مریم به اداره روزنامه واصل گردید
 که حاکی از شکایاتی بود از طرف
 نظام وظیفه در یکی از وامی کردستان
 از نظر اینکه به حویله نویسنده اطلاع
 کافی نداشته‌اند و برای رسیدگی
 به اداره نظام وظیفه کردستان ارسال
 داده نشدند و به مطالب اظهار کنند
 را در مورد بررسی قرار دهند. جوانی
 که از اداره نظام وظیفه رسیده‌ام
 است که شکیات کافی شده که تشن
 اظهارات حاکی از سبقت دور برود
 بلکه از اصرار به به اداره آرامه
 اصلاحی بنام هادی مریم شکیات
 شده است چیزی که در این مکانات
 جلب توجه می‌ناید وقت دوررسی که
 طرف اداره نظام وظیفه کردستان و
 علائق است. آن به یک مردم
 اصلاح اوضاع است و همین نکات است
 که مارا و از اداری نماینده روزنامه
 در اطراف نظام وظیفه توضیح
 می‌دهد هیت که کار نظام وظیفه
 تا چنان حینت برسی از زمین فرست
 نوق الماده‌ای بوده وقت شریف راست
 مامور نظام وظیفه صورت آمدن در منزل
 را پیاپی باقی رده و سازمان های
 مناسط بشود برای خوبنای پناهی
 که بود هر که بدون پرداخت پول و با
 لفظ دادن پروانه امیر شغوری کاری
 انجام می‌شود
 سومریان در نظام وظیفه اودو
 جا نوری شده طی وامی مورین و
 دیگری نادانی که جنگی مردم اینرا
 هم ایامد گفته می‌شود که ده‌ها روز
 وحی بخشی از مانگیه هم از تشریف
 و جبهه و خوردن پول وقت بیچاره
 با مامور خود اودو داشته‌اند
 بنابر این میتوان گفت فقط مقصود
 مامور نظام وظیفه بوده بلکه ادیان
 یا مالکی را که بر سرای میهم برود و
 خوردن پول وقت بیچاره و سامانی
 مینماید « با بعضی تراداست
 اصلاح ادارات بته بیست سده
 است: ایک وقت رئیس اداره ای مایل
 به اصلاح وضع اداره خود نیست در
 این صورت باید اول کوهیه تا خود این
 رئیس را از کار برکنار کرد بعد از
 مامورین زیر دست وقت ولی اگر رئیس
 اداره ای خود اکرود بود و خواست
 اصلاحاتی بکنند اگر مردم که نتانند
 تصحیر بخود مردم خواهد بود
 دو مورد اداره نظام وظیفه کردستان

از ستاد ارتش می‌نویسند
 اداره روزنامه « کوهستان
 دوشنبه ۲۳ ژوئیه ۱۳۰۸
 آن در خبر می‌نویسند: متعاندن: دنا: توجیه
 ستاد ارتش و فرماندهی محترم لشکر: که
 میروان: درج و نوشته شده بود که
 سرکنه: فضی می‌روزه برای ساختن
 پراخانه: هده که پیکاریه ای می‌چورد
 طبق: لشکر: هادی از آقایان میروان
 که همه: موده: یعنی داز خدمت: چات
 مذکور: بر خلاف: حقیقت و اساس: است
 خواسته: است دستور: فرمانده: مراتب
 را در: آن: جرایه: تکذیب: نماید
 رئیس: ستاد: ارتش: سر: لشکر: ژنرال: آراه
 کوهستان: خود: فرستاد: از: ایگاز
 مردم: میروان: بیگاری: گرفت: نمی: شود.
 امپور: این: با: توجه: دین: با: این: منطقه
 در: حال: آینه: در: طرف: و: آبی: بر: رود
 اهالی: این: منطقه: می: بر: سر: ماست: کشته: کرده

آب آبیسه داغ - ۲۰۰ ریال
 تکثیر شده - ۱ ریال
 شماره ۲۵۰ و ۲۵۱
 شماره ۱
 جای اداره خیابان فروسی دوبروی بانک ملی تهرن

تنگر افانستز

جناب اشرف نصرت و بیروغوث
 ریاست ستاد ارتش، نوخت نامه کوهستان
 حضرت آقای غیظ جلاله ای هوش بشی
 در جلات قدر خود و خانواده اش در
 کردستان اظهار من الشکر و سپاسه
 در خدمت گزاری وقت و سلامت اداره
 همچنانکه در تقاربات امورم برهیده
 نیست بنا بر ابر اطلاع لشکراتی بر علیه
 اهالی این منطقه این است که گوناگونی
 هشیان چه مستر است که خود هراسی
 و ایدامه باغ و آب و خورده و سپه
 کارش با هشیان خدمتگزار و دهر
 دوست و اصلاح طلبت تقاضای عموم
 اهالی این منطقه این است که گوناگونی
 امور می‌چکند و وقتی با اظهارات هشیان
 که نظرشان تقاضای هشیان و وارزش
 اجتناب اداره نداده و نظریه او را
 خلاف نظر و منتهی اهالی و اهل
 اسلامی اظهار نظر نماید هراسی و اهل
 حسی هشیان طبعی است و می‌باید از حسی
 علم برادران سده تقاضای هشیان جوان
 صلاح خاصی کرد مگر مگر مگر مگر
 شرفا تقاضای هشیان سده تقاضای هشیان
 کبابی پرویز هشیان « همه حسی می‌کنم
 هشیان مامورین ساد شغوری و گیلی
 یا کلدن سلیه این حسی مدیری هشیان
 از جمله سلیه شیخ عزیز

هشیان نمایندگان کردستان
 روزی هشیان گفته هشیان
 ریاست ستاد آقای آیت الله مردمی که
 از نمایندگان علمای و مالکین و بازرگانان
 کردستان شرفان و اردهند که مبارزند
 از آقایان اصلاحه سده منتهی -
 امامجه - ملا عبدالعزیز مردمی
 ملا احمد مدرس - ملا یوسف مدیفری
 (نایندگان علمای) و آقایان حاجی سالار
 فاتح - احمد کاکر - مهدی مستندی
 هشیان مردمی (نایندگان مالکین) و
 آقایان میوزاده و صالح زاده (از طرف
 بازرگانان)
 چون در یهده میشد که کسی آن لفظ
 خوامان اجرای قانون است با به مردم
 گفته نیانند و خود و از زمین بیچاره را
 از سر مامورین به نیان دهند
 امپور این با توجه به اوضاع موضوع
 مردم در آن گاه نبودند اما نظام وظیفه
 از حلیات زبان خود مامورین و با
 هشیان مقرر نظام وظیفه و به واهای
 و در بیان تقاضای هشیان که مزاحمت
 هشیان سالیان گذشته در آینه نیز
 سکرمه باشد.

آگاداری

باروری کراوه کای ایه لمران دانا کویسا بیاری
 روزنامه‌های ایران نه نارود بدل اشرفا کیش لدهی کیش لدهی
 ایه که بشنوه
 روزنامه وحی دهنوتی به انتشاری خودی امدسه بدآکه
 باروری
 حیرمان وای که خوبنوار حرفه و بستنک با هشیان
 روزنامه کوهستان نین و بزودی مطالبی بنگاه که هشیان
 بخرن